

واکاوی و تبیین مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: پیاده‌راه عالی‌قاپو اردبیل)

دکتر آریتا بلالی اسکویی*، دکتر محمدعلی کی‌نژاد**، مهندس حمید غفاری***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸

چکیده

طیف وسیعی از مؤلفه‌ها به‌منظور معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی مورد توجه قرار می‌گیرند؛ ولی مسئله‌ای که وجود دارد کم‌توجهی نسبت به مؤلفه‌های مبتنی بر هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی می‌باشد. در همین راستا مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر واکاوی و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی و بررسی میزان اهمیت آن‌ها در شهر ایرانی-اسلامی می‌باشد. نمونه مطالعاتی پژوهش نیز پیاده‌راه عالی‌قاپو در شهر اردبیل می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع کاربردی-توسعه‌ای و به لحاظ روش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. گردآوری داده‌ها نیز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و مطالعات میدانی انجام گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مؤلفه‌های «نفوذپذیری»، «همه شمول بودن»، «غنای حسی» و «محرمیت» مهم‌ترین مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی می‌باشند. دستاورد نهایی پژوهش نیز عرضه‌ی چهار مؤلفه «محرمیت»، «ساده‌آرایی فضایی»، «طبیعت‌گرایی» و «جداره ایرانی-اسلامی» در قالب مؤلفه‌های «ارزشی-هنجاری» و با محوریت هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی به‌منظور معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی

ایرانی-اسلامی، پیاده‌راه، فضاهای همگانی، معاشرت‌پذیری.

Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

Email: ma_kaynejad@tabriziau.ac.ir

Email: ha.ghaffari@tabriziau.ac.ir

* استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران. (مسئول مکاتبات)

** استاد دانشکده مهندسی عمران، دانشگاه صنعتی سهند، تبریز، ایران.

*** دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

مقدمه

خواهیم بود که تعاملات اجتماعی و معاشرت در آن‌ها در سطح پایینی قرار دارد و استقبال چندانی از این فضاها توسط شهروندان نمی‌شود. در بررسی الگوهای ارائه شده به منظور معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در ایران آنچه که کمتر از جانب پژوهشگران به آن پرداخته شده است، ارائه مؤلفه‌های مبتنی بر هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی می‌باشد به نحوی که می‌توان گفت نگاه بومی چندانی به این مؤلفه‌ها نشده است. در همین راستا مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر واکاوی و تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی-اسلامی می‌باشد تا با فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تکامل و تعالی انسان‌ها و ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت توسعه روابط اجتماعی و ارتقاء معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی شهری نقش مؤثری در این حیطه داشته باشد. همچنین این پژوهش با تجزیه و تحلیل نمونه مطالعاتی که پیاده‌راه عالی‌قاپو در شهر اردبیل می‌باشد درصدد پاسخگویی به این سؤال است که میزان اهمیت هر کدام از مؤلفه‌های استخراج شده بر معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی به چه میزان است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع کاربردی-توسعه‌ای و به لحاظ روش از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نحوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و برداشت‌های میدانی است به نحوی که از مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی (شامل کتب، مقالات و طرح‌های مرتبط با موضوع تحقیق) جهت تدوین مبانی نظری و ادبیات پژوهش استفاده شده است و به منظور بررسی و ارزیابی محدوده پژوهش که پیاده‌راه عالی‌قاپو در شهر اردبیل می‌باشد از مطالعات میدانی در قالب مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه بهره گرفته شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز پس از مصاحبه و گفتگو و تکمیل پرسشنامه‌ها توسط ۳۰ نفر از متخصصان رشته‌های شهرسازی، معماری، جامعه‌شناسی و مرمت از مدل تلفیقی ANP - Dematel و نرم‌افزارهای Spss و Super Decisions استفاده گردید. شکل ۱ فرآیند انجام پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

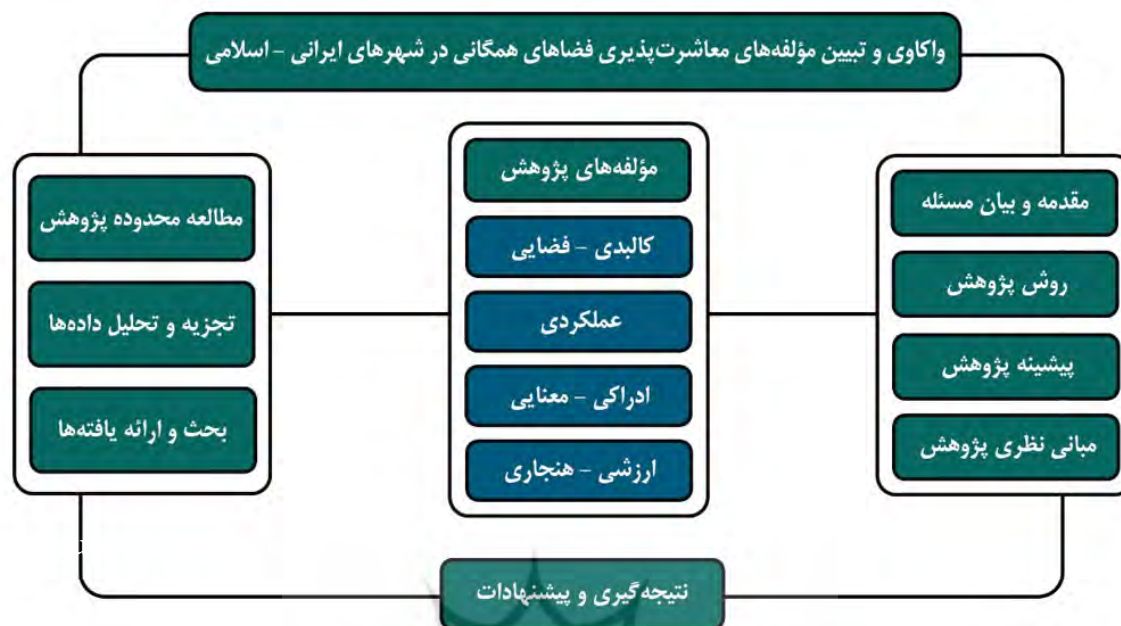
پیشینه پژوهش

در زمینه معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی و بررسی تعاملات اجتماعی در این فضاها پژوهش‌هایی در ایران و در خارج از کشور انجام شده است که در ادامه به توضیح برخی از این مطالعات به طور مختصر و در حد ضرورت اشاره می‌شود:

- غفاری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تولید فضاهای

سبک زندگی شهری و هویت اجتماعی انسان سبب تقویت انگیزه‌ی شهروندان به‌منظور جستجوی فضایی برای تعاملات اجتماعی، خارج از حریم خانه و با افرادی غیر از اقوام و آشنایان، گشته است. قلمروهای همگانی شهری و خیابان به‌مثابه یکی از نمادهای اصلی آن مانند صحنه‌ی تئاتری برای اتفاقات و مراودات روزمره است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۷). فضاهای همگانی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی شهر هستند که از گذشته تا به امروز برای حمایت از فعالیت‌های انسانی در زندگی روزمره استفاده شده‌اند (Kongphunphin & Srivanit, 2020). در شهرهای ایرانی از دیرباز اکثر فضاهای باز شهری و میدان‌ها عملکردهای اجتماعی و معنوی نیرومندی داشته‌اند و محلی مهم جهت تعاملات اجتماعی بوده‌اند (فاتحی، ۱۳۹۰) ولی متأسفانه هم‌اکنون تعداد این فضاها هم از نظر کمی و هم کیفی به حداقل رسیده است. در گذشته فضاهای جمعی مکان‌هایی به‌یادماندنی و خاطره‌ساز را برای افراد حاضر فراهم می‌ساختند. فضاهایی که با تجمیع فعالیت‌های متنوع همچون راسته‌های تجاری و ایجاد دسترسی مناسب میان آن‌ها نه تنها پاسخگوی نیازهای مادی مردم بودند؛ بلکه به دلیل ظرفیت بالای فراهم آوردن افراد به قرارگاه‌های رفتاری خوانا مبدل شده بودند (قدس و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین توجه به جنبه‌های گوناگون فضای شهری، به‌خصوص فضاهای عمومی نقش بسزایی در به وجود آمدن فضایی تعامل‌گرا و اجتماع‌پذیر خواهد داشت و موجب سرزندگی حیات شهری می‌شود. فضاهای عمومی چون میدان‌ها، گذرها، خیابان‌ها، فضاهای فرهنگی و ... به‌عنوان جایی برای شکل‌گیری ارتباط بین مردم از دغدغه‌های اصلی معماران و طراحان شهری محسوب می‌شوند و نظریه‌پردازان رویکردهای مختلفی در این زمینه ارائه داده‌اند که نشان از اهمیت این موضوع دارد (نصیری‌پور و مولایی بیرگانی، ۱۴۰۰).

بر پایه تعالیم روح‌بخش اسلام، جهان هدفمند است و انسان نیز بر اساس حکمت عالی‌ه الهی و هدفی معین خلق شده است. اهدافی که محقق‌شدن آنها نیازمند تدوین و ترسیم مسیر و الگوی نیل به چنین اهدافی است. نبود الگویی برای حرکت در این مسیر موجب سردرگمی و از دست رفتن فرصت‌ها و اتلاف امکانات مادی و معنوی جامعه می‌شود. و شاید موضوع مهمی که در خلاء الگوی بومی و متناسب با ساختار فرهنگ خودی روی می‌دهد، تقلید چشم بسته از الگوی حرکت و توسعه دیگران باشد (کلانتری خلیل‌آباد و همکاران، ۱۳۹۳). اگر در طراحی فضاهای همگانی در شهرها، مؤلفه‌هایی که مبتنی بر هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی می‌باشند مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار نگیرند شاهد شکل‌گیری فضاهایی در شهرها



شکل ۱. فرآیند انجام پژوهش
Figure 1. Research process

به اهداف مورد نظر اجتماعی دست پیدا کنند. در این پژوهش به این نتیجه دست یافته‌اند که وجود فضاهای جمعی از جمله فضاهای سبز، فضای ورزش، فضای بازی کودکان، کاربری‌های تجاری، لابی، پیاده‌راه و همچنین نحوه طراحی با در نظر گرفتن فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی سبب افزایش تعاملات اجتماعی در شهرها، محله‌ها و مجتمع‌های مسکونی می‌شود.

- بهزادفر و طهماسبی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی؛ تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سنج» به دنبال راه‌حل مناسب برای مسئله مطرح‌شده از طریق شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های مختلف با استفاده از روش‌های آماری (کمی) و مطالعات میدانی هستند. در این پژوهش اثبات شد که مؤلفه‌های فردی تأثیر مستقیم بر تعاملات اجتماعی دارند، ضمن اینکه نقش مؤلفه‌های کالبدی و محیط فیزیکی به‌عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیده‌ی اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت. همچنین در این پژوهش نقش و قابلیت‌های طراحی محیط کالبدی و کیفیت عملکردی فضا در ارتقای تعاملات اجتماعی تأیید شده است.

همگانی معاشرت‌پذیر در محله؛ بافت میانی شهر تهران» به مطالعه و بررسی محدوده پژوهش که خیابان اصلی محله گیشا در شهر تهران می‌باشد پرداخته‌اند. داده‌های پژوهش ابتدا باتکیه بر دستاوردهای مشاهده مستقیم، نقشه‌های رفتاری، مشاهده مشارکتی، و سپس با مصاحبه‌های عمیق گروهی گردآوری شده است. تحلیل‌های توصیفی از دستاوردهای این پژوهش، از شکل‌گیری فضاهای معاشرت‌پذیر در لبه‌ها، آستانه‌ها، و تجهیزات شهری در خیابان محله خبر می‌دهد و با عرضه پنج مضمون اصلی، شامل در مرکز محله بودن، جستجو در محیط، راهبرد خلاقانه، تعلیق هنجاری، و لذت تعامل با دیگران، نحوه‌ی تولید این فضاها برای کشف و مناسب‌سازی از سوی مردم تفسیر می‌شود.

- تبریزی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی» نوع طراحی بر اساس جمع‌گرایی و تأثیر آن بر افزایش تعاملات و نیز عوامل کالبدی تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی را شناسایی کرده تا با درک صحیح از طراحی شهری و معماری جمع‌گرا و شناخت ویژگی فضاها که در آن تعاملات اجتماعی به میزان بیشتری جریان دارند

نتایج دست یافته‌اند که فعالیت‌ها و تصرف‌های فضایی بین کاربران بدون همراه و با همراه متفاوت بود. در مقایسه با کاربران منفرد، کاربران گروهی (چندنفره) تمایل به شرکت در چندین فعالیت به‌طور هم‌زمان داشتند و فعالیت‌های آن‌ها شامل تعاملات بیشتری بود. نتایج این پژوهش بر اهمیت طراحی فضاهای همگانی برای انواع کاربران مختلف به‌منظور استفاده از فضاها و در نظر گرفتن انواع مختلف روابط اجتماعی تأکید می‌کند.

– **Mehta & Bosson (2018)** در مقاله‌ی «بازنگری خیابان‌های پرجنب‌وجوش: تعاملات اجتماعی در فضای همگانی» با استفاده از مشاهدات و بررسی‌های بصری، تحلیل رگرسیون و تحلیل عاملی، سرزندگی را مطالعه کرده و همبستگی آن را با ویژگی‌های خیابان مشخص کرده‌اند. آن‌ها با گسترش یافته‌های قبلی این سؤال را مطرح کرده‌اند که چه تغییراتی در ویژگی‌های خیابان در طول زمان، افزایش سرزندگی و تعاملات اجتماعی را بیشتر کرده است. در نهایت آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که سرزندگی و تعاملات اجتماعی به‌طور قابل توجهی با افزایش در صندلی‌های تجاری و عمومی، تنوع بلوک‌ها، کسب‌وکارهای مستقل و مکان‌های گردهمایی اجتماعی افزایش داشته است.

در مجموع نکته مشترک موضوع در این مطالعات آن است که تعاملات اجتماعی و معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی بیشتر بر اساس مؤلفه‌های ثابتی که در اکثر این پژوهش‌ها مشترک است انجام شده است و نگاه بومی‌چندانی به شاخص‌های معاشرت‌پذیری این فضاها نداشته‌اند. مهم‌ترین ویژگی این پژوهش آن است که شاخص‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی را بر اساس ویژگی‌های شهر ایرانی-اسلامی مورد مطالعه قرار داده تا بتواند بر اساس هنجارهای این جامعه به تبیین مؤلفه‌هایی برای توسعه روابط اجتماعی و معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی-اسلامی بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

معاشرت، واژه‌ای عربی برگرفته از عشره به معنای آمیختن و مصاحبت است و در اصطلاح به معنای ارتباط، دوستی، رفت‌وآمد داشتن با کسی، گفت و شنیدن کردن باهم، باهم زیستن، همدمی، رفاقت، و نشست و برخاست است. آموزه‌های اسلام نکات فراوانی را در خصوص نوع تعاملات و روابط اجتماعی ابراز می‌دارد که در واقع تعاملات اجتماعی را یک عنصر مثبت و لازمه جامعه قلمداد و مؤمنان را نسبت به این نصیحت می‌نماید (بیات، ۱۳۹۷). حیات جمعی فرصتی جهت رهاشدن از تنش‌های روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهمایی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور، آزادی

– **Elyan (2021)** در مقاله‌ای تحت عنوان «فضاهای شهری و تأثیر آن بر فعالیت‌های اجتماعی» بیان می‌کند در صورتی که فضا کارکرد خود را به‌عنوان یک فضای اجتماعی طراحی شده برای انسان از دست بدهد، این امر منجر به بروز اثرات نامطلوب چه بر محیط ساخته‌شده، چه استفاده‌کننده از فضا و چه تأثیر استفاده‌کننده از فضا بر محیط ساخته‌شده، مانند کمبود محل عبور عابرپایه، در دسترس نبودن فضاهایی برای استفاده‌کنندگان از فضا برای فعالیت‌های استراحت و نشستن، از بین رفتن یک فعالیت اجتماعی خاص، یا ظهور اثرات زیست‌محیطی که منجر به بروز یکی از مظاهر آلودگی از هر نوع آن (بصری، شنیداری، محیطی) می‌شود خواهد شد. در نهایت این مطالعه به این نتیجه می‌رسد که ارتباط بین فضاهای شهری در همه انواع آن باید در دو جهت موازی و مکمل پیش برود تا محیط ساخته‌شده به‌منظور عملکردی که برای آن طراحی شده است مورد استفاده قرار گیرد، یعنی آسایش انسان و رفع نیازهای اقتصادی، تفریحی یا فرهنگی او.

– **Chibli (2021)** در مقاله‌ی «جامعه‌پذیری آینده در فضاهای همگانی» طرح‌های فراگیر فضای عمومی را با استفاده از فناوری‌های دیجیتال همچون مبلمان شهری هوشمند، پلتفرم‌های هوشمند، طراحی نیمکت‌ها و غیره به‌منظور تغییر مرزها و ترویج انواع جدیدی از تعاملات اجتماعی مطابق با سبک زندگی دیجیتالی بررسی می‌کند. این مقاله به‌عنوان یک مطالعه موردی منطقه «میدان اورتاکوی»^۱ در استانبول را مورد پژوهش قرار می‌دهد که در آن، کار میدانی برای آزمایش پیامدهای معرفی فناوری‌های دیجیتال در فضای عمومی انجام شده است.

– **Latham & Layton (2019)** در مقاله‌ای با عنوان «زیرساخت‌های اجتماعی و زندگی همگانی شهرها: مطالعه اجتماعی بودن شهری و فضاهای همگانی» باتکیه بر استدلال‌های جامعه‌شناس اریک کلیننبرگ^۲ مفهوم زیرساخت اجتماعی را توسعه می‌دهند. آن‌ها بیان می‌کنند که شهرها به زیرساخت‌های اجتماعی نیاز دارند نه تنها به دلیل کاربرد عملی‌شان، بلکه به این دلیل که مکان‌هایی هستند که افراد می‌توانند در آن معاشرت کنند و با آن ارتباط برقرار کنند. آن‌ها همچنین بیان می‌کنند رویکرد زیرساختی به فضای عمومی، ابزارهای سازنده‌ای را برای درک زندگی عمومی شهرها در اختیار قرار می‌دهد. – **Cao & Kang (2019)** در مقاله‌ای با عنوان «روابط اجتماعی و الگوهای استفاده در فضاهای همگانی شهری در چین و بریتانیا» با استفاده از داده‌های مشاهده‌ای در چهار فضای عمومی در سوژو^۳ (چین) و شفیلد^۴ (بریتانیا) ویژگی‌های شخصی، فعالیت‌ها و تصرف فضایی کاربران را در فضاهای همگانی ارزیابی کردند. آن‌ها به این

ایده‌ها، تفسیرها و احساس‌های او گره می‌خورد. از سوی دیگر، فضای غریبه را تجربه می‌کند، «دیگری» همگانی جایی است که فرد جایی برای اجتماعی شدن و ساختن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان خود و دیگران غریبه (گلرخ، ۱۳۹۳).

معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی از میزان وقوع معاشرت و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری قابل تشخیص است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۷). در یک فضای همگانی ایده‌آل «دسترسی»، «محیط و امکانات»، «استفاده عمومی» و «جامعه‌پذیری» چهار پیش‌نیازی هستند که باید به آنها دست یافت (Ma et al., 2021). استفان کار و همکاران معتقدند که جنبه‌های مختلف فضاهای باز همگانی در فرصت‌های ارائه شده برای کاربران منعکس می‌شود؛ یعنی در فضاهای همگانی پاسخگو، دموکراتیک و معنادار (Jurkovič, 2014). ویلیام وایت^۷ استدلال می‌کند که فضاهای همگانی باید به گونه‌ای طراحی شوند که مردم را به درنگ کردن تشویق کند، زیرا امکان گفتگو و برخوردهای تصادفی را فراهم می‌کند (Hampton et al., 2015). وایت اشاره می‌کند که برخی از عوامل مانند صندلی‌ها، درختان میوه‌دار، عنصر آب و خوانایی فضاها افراد را تشویق به ماندن در فضاهای باز همگانی می‌کند. یان گل^۸ نیز اشاره می‌کند که امکاناتی به‌منظور نشستن به صورت دسته‌جمعی می‌تواند فعالیت‌های گروهی را تشویق کند (Zhang & Lawson, 2009). اهمیت اجتماع‌پذیری فضا به حدی است که بسیاری از نظریه‌پردازان بر تأثیر این کیفیت بر دل‌بستگی به مکان زندگی تأکید ورزیده‌اند و بر طبق این نظرات دل‌بستگی به مکان نه‌تنها توسط وجوه فیزیکی در یک مکان تقویت می‌شود بلکه کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان نیز بر دل‌بستگی به مکان مؤثر می‌باشند (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۳). دین اسلام به مسائل اجتماعی توجه خاصی دارد و فقط جنبه‌های فردی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. راه رسیدن به سعادت را در تشکیل جامعه‌ای اسلامی دانسته و تغییر و رشد در یک جامعه را نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های همه‌ی مردم آن جامعه برمی‌شمرد. مسائلی همچون مشارکت مردمی، عدالت اجتماعی و مؤلفه‌هایی از این قبیل که در بعد اجتماعی قرار دارند در آیات و احادیث مورد تأکید قرار گرفته‌اند. از طرفی در تاریخ ایران از گذشته‌های دور تاکنون مسائل اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و مردم در ساخت شهرها و به خصوص بناهای عمومی نقش بسزایی داشته‌اند. بنابراین یکی از ابعاد الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی پیشرفته، بعد اجتماعی است که مؤلفه‌هایی همچون عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی، امنیت، آرامش و آسایش، بهداشت، حریمیت و سایر موارد را در خود جای داده و به دنبال تحقق آنها در شهرها است (کلاتری خلیل‌آباد و همکاران،

بیان و ابراز آن‌ها در فضا است. حیات جمعی در فضاهای باز عمومی در گرو ترویج تعاملات اجتماعی، جذب افراد و گروه‌های مختلف، امنیت اجتماعی و در نتیجه ترغیب به افزایش تحمل گروه‌های مختلف در فضا، جامعه‌پذیری بیشتر و ایجاد فضایی فعال و سرزنده است (بهادر و طهماسبی، ۱۳۹۲). بر اساس هرم مازلو^۹، انسان‌ها نیازمند برقراری روابط اجتماعی‌اند. مازلو این نیاز را ناشی از نیاز جسمی، نیاز به ایمنی و اطمینان، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام و منزلت و تأیید و تشویق می‌داند. فضای شهری امکان گسترش دامنه اجتماعی و برخورد‌های رودررو را تسهیل می‌نماید که این امر ناشی از توان بالای این‌گونه فضاها در انواع مبادلات کالا، شایعات، اطلاعات و اخبار می‌باشد (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳). رابطه‌ی اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق می‌افتد. بنابراین فضا مجموعه‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را دربرمی‌گیرد. این روابط مدت زمان خاصی دارد. بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آن محدود می‌شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می‌شود و شدت آن، به فضا معنی می‌دهد (طالبی، ۱۳۸۳). فضاهای باز همگانی یک شهر تمام آن مناطقی هستند که به روی فعالیت‌های آزادانه و خودانگیخته مردم باز هستند (Jurkovič, 2014). در فضاهای همگانی، روابط متقابل مختلفی بین افراد، مردم و فضا، و پیرامون آن وجود دارد (Kongphunphin & Srivanit, 2020) فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست، بلکه کنش تعاملات شهروندی و فعالیت‌های شهری را نیز دربرمی‌گیرد، یعنی کالبدی از شهر را مجسم می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی است. به عبارتی شرط اصلی فضای عمومی این است که در آن‌ها تعامل و مراددهی اجتماعی صورت گیرد، چنانچه آن دسته از فضاهای شهری که بستر تعامل اجتماعی و ارتباطات شهروندی قرار نمی‌گیرند را نمی‌توان فضای شهری دانست (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴). در ساده‌ترین بیان عرصه عمومی دربرگیرنده گروه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره است که از متن مردم و فعالیت‌های آن‌ها ریشه گرفته است؛ به نوعی عرصه عمومی یک عرصه همگانی است که عموم مردم یک شهر حق حضور در آن را دارند (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۳). در تعریف استفان کار^{۱۰}، از بُعد معنایی فضای همگانی، انسان‌ها همواره به چیزهایی نیاز دارند که آن‌ها را به دنیای پیرامون‌شان وصل کند و فضاهای همگانی نیز، به منزله بخشی از فضای زندگی و فعالیت شهروندان، نقش مهمی در این اتصال دارند. تجربه اتصال درباره فضای همگانی در لایه‌های مختلفی قابل توصیف است. لایه‌ای از این تجربه، در سطح معناهای فردی ساخته می‌شود؛ معناهایی که بیشتر جنبه شخصی دارند و با رویدادهای مراحل مختلف زندگی فرد و با خاطره‌ها،

۱۳۹۳). جدول ۱ نحوه پاسخ‌دهی مؤلفه‌های فضای همگانی به معاشرت‌پذیری با محوریت هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی را که شامل «هویت‌مندی»، «ارزش‌ها»، «عزت‌مندی»، «آرامش و

آسایش»، «مسئولیت اجتماعی» و «برابری و عدالت» است را نشان می‌دهد. در نهایت نیز بعد از جمع‌بندی مبانی نظری و ادبیات پژوهش، بهره‌گیری از اطلاعات جدول ۱ و همچنین ویژگی‌های محدوده مورد

جدول ۱. نحوه پاسخ‌دهی مؤلفه‌های فضای همگانی به معاشرت‌پذیری با محوریت هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی (مأخذ: قره بگلو و همکاران، ۱۳۹۵، نژادابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵)

Table 1. How public space components respond to sociability based on the social norms of the Iranian-Islamic city (Source: Gharehbaglou et al., 2016; Nejad Ebrahimi et al., 2016)

هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی - اسلامی	نحوه پاسخ‌دهی فضای همگانی	مؤلفه‌های پاسخ‌دهنده فضای همگانی	اثر منتج شده بر معاشرت‌پذیری فضای همگانی
هویت‌مندی	بهره‌گیری از فرهنگ، تاریخ و هویت ایرانی - اسلامی	- خوانایی - غنای حسی	احساس تعلق خاطر و آشنابودن با فضا و احساس راحتی در آن
ارزش‌ها	اهمیت‌دادن به برگزاری مراسم‌های دینی و سنتی	- انعطاف‌پذیری - فعالیت‌پذیری - اختلاط کاربری‌ها	حضور افراد با دلایل خاص و پذیرا بودن هرچه بیشتر افراد در برگزاری رویدادها
عزت‌مندی	رعایت تناسبات و مقیاس انسانی در طراحی فضا	- مقیاس انسانی	احساس عزت‌مندی و آرامش بصری - روانی استفاده‌کننده از فضا
آرامش و آسایش	ایجاد امکانات و زیرساخت‌های آرامش روانی و آسایش جسمی	- مبلمان شهری - روشنایی و نورپردازی - زیباسازی - آسایش اقلیمی	تبدیل مکان به فضایی فرحبخش و آرامش‌بخش و تبدیل شدن به گزینه اول فرد برای استفاده
مسئولیت اجتماعی	فضاسازی‌های شفاف و ایجاد بسترهای نظارت همگانی و حس در امنیت بودن	- امنیت و ایمنی - نظارت اجتماعی	افزایش اعتماد به مکان و حضور طولانی مدت و تعدد استفاده از آن
برابری و عدالت	رعایت استانداردهای طراحی به‌منظور حضور همه اقشار اجتماعی مانند معلولان، سالمندان، کودکان، زنان و ...	- همه شمول بودن - نفوذپذیری	تمامی اقشار جامعه به راحتی می‌توانند از حضور در این فضا لذت ببرند



شکل ۲. مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی-اسلامی
Figure 2. Sociability components of public spaces in Iranian-Islamic cities

تبیین هویت تاریخی و فرهنگی اردبیل نقش ایفا کند. در شکل ۳ موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه و در شکل ۴ نیز تصویری از پیاده‌راه عالی قاپو در شهر اردبیل نشان داده شده است.

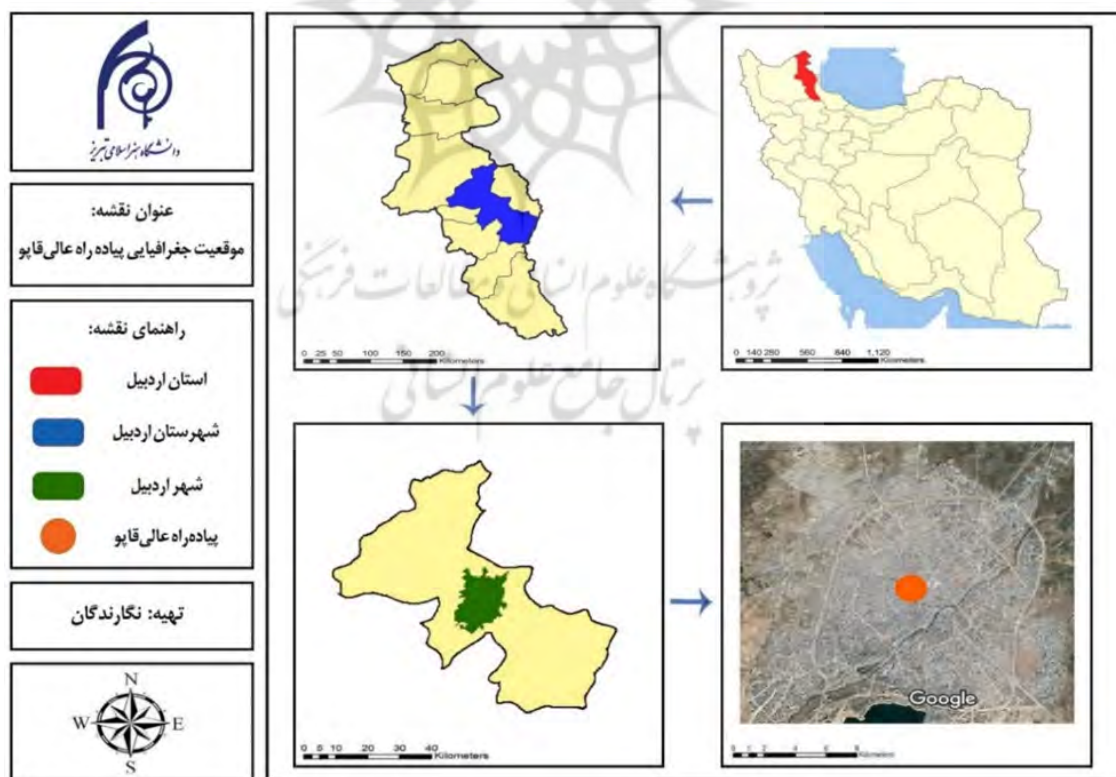
مطالعه، مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی - اسلامی در قالب مؤلفه‌های «کالبدی- فضایی»، «عملکردی»، «ادراکی- معنایی» و «ارزشی- هنجاری» مطابق شکل ۲ ارائه می‌شود.

بمّث و ارائه یافته‌ها

مرحله اول - شناسایی روابط میان مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی: در این مرحله بعد از طراحی پرسش‌نامه بر اساس طیف ۵ درجه رایج در مدل دیمتل^۱، از نظرات و آراء ۳۰ نفر از متخصصان رشته‌های شهرسازی، معماری، جامعه‌شناسی و مرمت که اولاً با موضوع تحقیق آشنایی داشته و همچنین مشرف بر وضعیت محدوده مورد مطالعه بوده‌اند بهره گرفته شده است. برای به دست آوردن میانگین پرسشنامه‌ها و پاسخ‌های داده شده به هر مقایسه زوجی نیز از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس^۱ و میانگین حسابی استفاده گردید. برای پیاده‌سازی مدل دیمتل نیز از نرم‌افزار اِکسل^{۱۱} به منظور به دست آوردن رابطه بین مؤلفه‌ها استفاده گردید. برای پیشبرد روش دیمتل، نیاز به تنظیم ماتریس روابط اثرگذاری است. با ترسیم ماتریس روابط

محدوده مورد مطالعه

شهر اردبیل از نظر موقعیت مطلق در مشخصات جغرافیایی ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی قرار دارد و مرکز استان اردبیل می‌باشد. این شهر در محدوده‌ای به مساحت بیش از شش هزار و ۱۰۰ هکتار گسترده شده و بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت آن ۵۲۹ هزار و ۳۷۴ نفر می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰). پیاده‌راه عالی قاپو واقع در حریم مجموعه میراث جهانی بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در حد فاصل میدان عالی قاپو تا اول خیابان اسماعیل بیگ در بهار سال ۱۳۹۸ به بهره‌برداری رسیده است. این پیاده‌راه که به عنوان پیاده‌راه اسفریس نیز شناخته می‌شود یکی از مهم‌ترین فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر شهر اردبیل است که توانسته است در راستای



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه
Figure 3. Geographical location of the study area



شکل ۴. تصاویری از پیاده‌راه عالی‌قاپو شهر اردبیل (مأخذ: tasnimnews.com)

Figure 4. Pictures of the Ali Qapu pedestrian in Ardabil city (Source: tasnimnews.com)

«مقیاس انسانی» با درجه‌ی تأثیر ۱/۶۲۲ تأثیرگذارترین عامل و مؤلفه «محرمیت» با درجه‌ی تأثیر ۱/۲۳۶- تأثیرپذیرترین عامل بین مؤلفه‌ها می‌باشند.

مرحله دوم: تعیین ضریب اهمیت مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی: در مرحله دوم از مدل فرآیند تحلیل شبکه‌ای^{۱۲} استفاده شده است؛ به گونه‌ای که ابتدا ساختار کلی مدل (بر اساس ارتباط‌های تعیین شده در مرحله اول) در نرم‌افزار سوپر دسیژن^{۱۳} تعریف گردید سپس از طریق پرسش‌نامه مقایسات زوجی که بر اساس طیف ۹ درجه رایج در این مدل تنظیم شده بود از نظرات و آراء ۳۰ نفر از متخصصان مرتبط با موضوع تحقیق استفاده گردید که برای به دست آوردن میانگین پرسشنامه‌ها و پاسخ‌های داده شده به هر مقایسه زوجی نیز از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس و میانگین هندسی بهره گرفته شد. بعد از پیاده‌سازی این مدل در نرم‌افزار سوپر دسیژن ضریب اهمیت هر یک از مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی به دست آمد که نتایج آن مطابق **جدول ۳** قابل ارائه می‌باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در میان مؤلفه‌های کالبدی- فضایی، مؤلفه «نفوذپذیری» با ضریب اهمیت ۰/۳۹۳ در رتبه اول قرار گرفته و

اثرگذاری، ارتباطات بین مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی واضح و روشن شده و مشخص می‌شود که کدام مؤلفه‌ها با هم رابطه دارند. جهت ترسیم نقشه روابط اثرگذاری باید ارزش آستانه محاسبه شود که در این پژوهش ارزش آستانه‌ای ۰/۴۴۴ می‌باشد. با این روش می‌توان از روابط جزئی صرف نظر کرده و شبکه روابط قابل اعتنا را ترسیم کرد. به عنوان مثال مؤلفه «روشنایی و نورپردازی» بر مؤلفه‌های «نفوذپذیری»، «ایمنی و امنیت»، «همه شمول بودن»، «انعطاف‌پذیری»، «خوانایی»، «غنای حسی»، «محرمیت» و «جداره ایرانی-اسلامی» تأثیرگذار است.

از نتایج دیگر ماتریس، میزان تعامل و تأثیر مؤلفه‌ها می‌باشد (**جدول ۲**)؛ (D+R) نشان‌دهنده میزان تعامل مؤلفه‌ها می‌باشد و درجه اهمیتی که هر مؤلفه در سیستم بازی می‌کند را نشان می‌دهد؛ بر اساس نتایج به دست آمده مؤلفه «همه شمول بودن» با درجه‌ی تعاملی ۱۴/۰۲۲ بیش‌ترین تعامل و مؤلفه «ساده‌آرایی فضایی» با درجه‌ی تعاملی ۱۱/۳۲۸ کم‌ترین تعامل را با مؤلفه‌های دیگر دارند.

(D-R) نیز که میزان تأثیر را نشان می‌دهد اثر اصلی که هر مؤلفه در سیستم می‌گذارد را بیان می‌کند. بر اساس نتایج، مؤلفه

جدول ۲. میزان تعامل و تأثیر مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی- اسلامی

Table 2. The level of interaction and the influence of the sociability components of public spaces in Iranian-Islamic cities

D - R (میزان تأثیر)	D + R (میزان تعامل)	مؤلفه‌ها
-۰,۳۱۰	۱۱,۳۳۵	مبلمان شهری
۰,۳۶۹	۱۲,۳۹	روشنایی و نورپردازی
-۱,۱۲۴	۱۳,۱۸۴	نفوذپذیری
-۰,۹۲۱	۱۲,۰۲۵	ایمنی و امنیت
۰,۴۷۹	۱۲,۲۵۱	اختلاط کاربری‌ها
-۰,۳۳۶	۱۴,۰۲۲	همه شمول بودن
-۰,۷۳۰	۱۳,۵۵۱	انعطاف‌پذیری
۰,۷۷۰	۱۲,۸۰۰	خوانایی
۱,۶۲۲	۱۱,۶۵۱	مقیاس انسانی
-۰,۴۶۲	۱۳,۱۰۵	غنای حسی
-۱,۲۳۶	۱۱,۹۳۷	محرمت
۰,۰۶۸	۱۱,۳۲۸	ساده آرایی فضایی
۱,۲۴۱	۱۲,۰۰۴	طبیعت‌گرایی
۰,۷۰۶	۱۲,۶۵۰	جداره ایرانی - اسلامی

جدول ۳. ضریب اهمیت مؤلفه‌های معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی- اسلامی

Table 3. Importance coefficient of the sociability components of public spaces in Iranian-Islamic cities

کالبدی - فضایی	مبلمان شهری	روشنایی و نورپردازی	نفوذپذیری	ایمنی و امنیت
ضریب اهمیت	۰,۱۹۵	۰,۱۴۹	۰,۳۹۳	۰,۲۶۳
عملکردی	اختلاط کاربری‌ها	همه شمول بودن	انعطاف‌پذیری	ایمنی و امنیت
ضریب اهمیت	۰,۲۱۳	۰,۴۲۸	۰,۳۵۹	۰,۲۶۳
ادراکی - معنایی	خوانایی	مقیاس انسانی	غنای حسی	ایمنی و امنیت
ضریب اهمیت	۰,۳۰۷	۰,۱۴۱	۰,۵۵۲	۰,۲۶۳
ارزشی - هنجاری	محرمت	ساده آرایی فضایی	طبیعت‌گرایی	جداره ایرانی - اسلامی
ضریب اهمیت	۰,۳۹۳	۰,۱۴۲	۰,۱۶۴	۰,۳۰۱

در رتبه‌های بعدی در میان مؤلفه‌های کالبدی-فضایی قرار دارند به نحوی که «ایمنی و امنیت» برای حضور بی‌دغدغه همه گروه‌های جمعیتی، «مبلمان شهری» برای راحتی استفاده‌کنندگان و «روشنایی و نورپردازی» به منظور تأمین ایمنی و امنیت مخاطبان از اهمیت فراوانی در معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی برخوردار می‌باشند. در مؤلفه‌های عملکردی، مؤلفه «همه شمول بودن» با ۰/۴۲۸

بیشترین وزن را به دست آورده است. «نفوذپذیری» یکی از مؤلفه‌های محوری فضاهای همگانی به‌منظور پاسخ‌دهی به معاشرت‌پذیری می‌باشد. به نحوی که این مؤلفه با ایجاد فرصت‌های متعدد و فراهم آوردن امکان انتخاب بر نفوذ فعالیت‌ها و روابط اجتماعی در فضاهای همگانی مؤثر واقع می‌شود. همچنین مؤلفه‌های «ایمنی و امنیت»، «مبلمان شهری» و «روشنایی و نورپردازی» به ترتیب

بیشترین وزن و ضریب اهمیت را به دست آورده است. همه شمول بودن فضاهای شهری بدین معنی است که همه افراد جامعه از هر قشر، سن و جنسی باید بتوانند از فضا استفاده و در آنجا احساس راحتی و امنیت کنند. همچنین مؤلفه‌های «انعطاف‌پذیری» و «اختلاط کاربری‌ها» در رتبه‌های بعدی در گروه مؤلفه‌های عملکردی قرار دارند. «انعطاف‌پذیری» فضای همگانی به منظور برگزاری انواع مراسم‌ها و تعاملات گروه‌های مختلف و «اختلاط کاربری‌ها» به منظور تأمین نیازهای مختلف استفاده‌کنندگان می‌توانند نقش مهمی در پاسخ‌دهی به معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی ایفاء کنند.

در میان مؤلفه‌های ادراکی - معنایی مؤلفه «غنای حسی» با ضریب اهمیت ۰/۵۵۲ بیشترین وزن را کسب کرده است. این مؤلفه به نوع و حالت دریافت افراد از محیط‌های گوناگون برمی‌گردد و وسعت و عمق تجارب حاصله را نشان می‌دهد. مسلماً هر فضایی که نشان‌دهنده تاریخ و هویت خود باشد از غنای حسی بیشتری برخوردار خواهد بود. در رتبه‌های بعدی نیز مؤلفه‌های «خوانایی» و «مقیاس انسانی» قرار دارند به نحوی که «خوانایی» یک فضای همگانی باعث بهتر درک شدن آن فضا و رعایت «مقیاس انسانی» می‌تواند عامل مهمی در احساس راحتی انسان در یک فضای همگانی معاشرت‌پذیر باشد.

و در نهایت در میان مؤلفه‌های ارزشی-هنجاری، مؤلفه «محرمیت» با ۰/۳۹۳ بیشترین ضریب اهمیت را به دست آورده است. «محرمیت» در فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر از طریق کالبد دادن به فضا از دو جنبه کالبدی و معنایی می‌تواند باعث تأمین حس آرامش و ایجاد حریم روانی در استفاده‌کنندگان از فضا شود. همچنین مؤلفه‌های «جداره ایرانی-اسلامی»، «طبیعت‌گرایی» و «ساده‌آرایی فضایی» به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم در گروه مؤلفه‌های ارزشی-هنجاری قرار دارند. بهره‌گیری از «جداره ایرانی-اسلامی» به منظور نشان دادن هویت یک فضای شهری، «طبیعت‌گرایی» به ایجاد سربیزی و خرمی در فضا، و «ساده‌آرایی فضایی» که می‌تواند باعث درک و خوانایی بهتر فضای همگانی شود از مهم‌ترین مؤلفه‌ها به منظور پاسخ‌دهی به معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی در شهرهای ایرانی-اسلامی می‌باشند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در زمینه معاشرت و تعاملات اجتماعی، نقش فضاهای همگانی در شهرها بارز است. این فضاها می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که حداکثر معاشرت‌پذیری را داشته باشند. زمانی یک فضای شهری در زمینه افزایش معاشرت و تعاملات اجتماعی موفق می‌شود که مؤلفه‌های مؤثر در این زمینه در حد مطلوبی ارائه شود. معاشرت‌پذیری فضاهای همگانی با محوریت هنجارهای اجتماعی شهر ایرانی-اسلامی

پی‌نوشت‌ها

1. Ortaköy Square
2. Eric Klinenberg
3. Suzhou
4. Sheffield

- علوم انسانی، ۲ (۸ و ۹)، ۱۸-۱.
۱۰. قدس، حسین؛ بمانیان، محمدرضا؛ و مرادی نسب، حسین. (۱۳۹۷). واکاوی مؤلفه‌های ساختاری تعاملات اجتماعی در فضاهای اجتماع‌پذیر (خیابان ستارخان؛ فلکه اول تا فلکه دوم صادقیه). *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۳ (۵)، ۸۰-۵۵.
۱۱. قلمبردزفولی، مریم؛ و نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۳). طراحی فضاهای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی، بلوار بین محله‌ای). *هویت شهر*، ۸ (۱۷)، ۲۴-۱۵.
۱۲. کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ حقی، مهدی؛ و دادخواه، محسن. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی-اسلامی. *نقش جهان*، ۴ (۱)، ۲۶-۱۷.
۱۳. گلرخ، شمین. (۱۳۹۳). ابعاد هویت مکانی در تجربه‌ی فضای همگانی؛ زنان جوان (۳۵-۲۳ ساله) ساکن تهران. *صفحه*، ۲۴ (۳)، ۹۴-۷۵.
۱۴. نصیرپور، فاطمه‌الزهرا، و مولایی‌بیرگانی، ندا. (۱۴۰۰). اصول و معیارهای طراحی فضاهای عمومی شهری با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا (نمونه‌ی موردی پارک ساحلی کیانپارس). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۴ (۱)، ۳۴۹-۳۳۰.
۱۵. نژادابراهیمی، احد؛ قره بگلو، مینو؛ و فرشچیان، امیرحسین. (۱۳۹۵). مبانی فکری شکل‌گیری مکان تعاملات اجتماعی از منظر اندیشه اسلامی. *فیروزه اسلام؛ پژوهش معماری و شهرسازی اسلامی*، ۲ (۲)، ۶۲-۴۷.
16. CAO, J., & KANG, Jian. (2019). Social relationships and patterns of use in urban public spaces in China and the United Kingdom. *Cities*, 93, 188-196.
17. Chibli, M. (2021). *Future Sociability in Public Spaces, The Dialectics of Urban and Architectural Boundaries in the Middle East and the Mediterranean*. The Urban Book Series. Springer, Cham, 211-239.
18. Elyan, S. M. H. (2021). Urban Spaces and Its Impact on Social Activities. *Urban and Regional Planning*, 6(4), 134-145.
19. Hampton, K., Goulet, S. L., & Albanesius, G. (2015). Change in the social life of urban public spaces: The rise of mobile phones and women, and the decline of aloneness over 30 years. *Urban Studies*, 52(8), 1489-1505.
20. Jurkovič, N. B. (2014). Perception, experience and the use of public urban spaces by residents of urban neighbourhoods.
5. Maslow's Pyramid (Maslow's hierarchy of needs)
6. Stephen Carr
7. William H. Whyte
8. Jan Gehl
9. Dematel
10. Statistical Package for Social Science (SPSS)
11. Excel
12. Analytic Network Process (ANP)
13. Super Decision

فهرست مراجع

۱. احمدی، قادر؛ غفاری، حمید؛ و پورحسن‌زاده، محمدحسین. (۱۴۰۰). ارزیابی عملکرد بازارهای تاریخی در شهرهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: بازار تاریخی شهر اردبیل). *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۸ (۲۶)، ۷۴-۵۶.
۲. بهزادفر، مصطفی؛ و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه موردی سنندج. *باغ نظر*، ۱۰ (۲۵)، ۲۸-۱۷.
۳. بیات، محمد مهدی. (۱۳۹۷). *طراحی خانه جوان شهر مشهد مقدس مبتنی بر شاخصه‌های اخلاق معاشرت در اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران.
۴. تبریزی، امید؛ مختاباد امرئی، مصطفی؛ و فیضی، محسن. (۱۳۹۳). اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی. *مدیریت شهری*، ۱۳ (۳۷)، ۲۷۲-۲۵۷.
۵. طالبی، ژاله. (۱۳۸۳). *روابط اجتماعی در فضاهای شهری. نامه‌ی علوم اجتماعی*، ۲۴ (۲۴)، ۱۸۰-۱۶۱.
۶. علیمردانی، مسعود؛ مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ و افهمی، طلیعه. (۱۳۹۴). رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (نمونه موردی، خیابان احمدآباد مشهد). *دوفصلنامه هنرهای کاربردی*، ۴ (۷)، ۱۴-۵.
۷. غفاری، علی؛ دوستی، فاطمه؛ بهزادفر، مصطفی؛ و وریج کاظمی، عباس. (۱۳۹۷). تولید فضاهای همگانی معاشرت‌پذیر در محله؛ بافت میانی شهر تهران. *صفحه*، ۲۸ (۱)، ۸۴-۶۹.
۸. فاتحی، شیوا. (۱۳۹۰). *نقش فضاهای تعاملی در تحقق شهرسازی شهروندگرا (مطالعه موردی: میدان قونقا در شهر تبریز)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۹. قره بگلو، مینو؛ فرشچیان، امیرحسین؛ و محمدعلیان، زهرا. (۱۳۹۵). تأثیر و تأثرات تعاملات اجتماعی بر خلق مکان در معماری اسلامی. *مطالعات هنر و*

Urbani izziv, 25, 107-125.

21. Kongphunphin, C., & Srivanit, M. (2020). Public spaces in Bangkok and the factors affecting the good public space quality in urban areas. *IOP Conference Series Materials Science and Engineering*, 910(2020), 1-5.
22. Latham, A., & Layton, J. (2019). Social infrastructure and the public life of cities: Studying urban sociality and public spaces. *Geography Compass*, 13(7), 1-15.
23. Ma, K. W., Mak, C. M., & Wong, H. M. (2021). Effects of environmental sound quality on soundscape preference in a public urban space. *Applied Acoustics*, 171(2021), 1-10.
24. Mehta, V., & Bosson, J. K. (2018). Revisiting Lively Streets: Social Interactions in Public Space. *Journal of Planning Education and Research*, 41(2), 160-172.
25. Zhang, W., & Lawson, G. (2009), Meeting and greeting: Activities in public outdoor spaces outside high-density urban residential communities, *Urban Design International*, 14(4), 207-214.
26. <https://www.tasnimnews.com/>



© 2023 by author(s); Published by Science and Research Branch Islamic Azad University, This work for open access publication is under the Creative Commons Attribution International License (CC BY 4.0). (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



Analyzing and Explaining the Components of Sociability of Public Spaces in Iranian-Islamic Cities (Case Study: Ali Qapu Pedestrian in Ardabil)

*Azita Balali Oskoyi**, Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Mohammad Ali Keynejhad, Professor, Faculty of Civil Engineering, Sahand University of Technology, Tabriz, Iran.

Hamid Ghaffari, Ph.D. Candidate of Islamic Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Abstract

For the sociability of public spaces, a wide range of components are considered, but the problem that exists is that little attention is paid to the components based on the social norms of the Iranian-Islamic city. In examining the models presented for the sociability of public spaces in Iran, what has been less addressed by researchers is the provision of components based on the social norms of the Iranian-Islamic city. In such a way that it can be said that not much indigenous look has been done towards these components. In this regard, the most important goal of the current research is to analyze and explain the components affecting the sociability of public spaces and to examine their importance in the Iranian-Islamic city. The study case of the research is the Ali Qapu pedestrian in Ardabil city, which is one of the most important Sociable public spaces of the city, which has been able to play a role in explaining the historical and cultural identity of Ardabil. The current research is based on the purpose of the applied-developmental type and in terms of the method is of the descriptive-analytical type. The method of collecting data in this research is based on library-documentary studies and field studies in such a way that library-documentary studies (including books, articles and plans related to the research topic) have been used to compile the theoretical foundations. In order to investigate and evaluate the area of the research, field studies in the form of observation, interview and questionnaire have been used. In order to analyze the research data, after interviews and discussions and completing the questionnaires by 30 specialists in the fields of urban planning, architecture, sociology and restoration, ANP-Dematel integrated model and Spss and Super Decisions softwares were used. The research findings show that the components of "permeability", "inclusiveness", "sensory richness" and "privacy" are the most important components of sociability of public spaces. The final achievement of the research is the presentation of the four components of "privacy", "spatial simplification", "naturalism" and "Iranian-Islamic Facade" in the form of "value-normative" components and centered on the social norms of the Iranian-Islamic city in order to make public spaces sociable. Designers and urban planners can work more efficiently by considering these components. Components such as "Privacy" in providing a sense of peace and creating mental privacy for the users of the space, using the "Iranian-Islamic Facade" in order to show the identity of an urban space, "Naturalism" by creating greenery and freshness in the space, and "Spatial simplification" which can cause a better understanding and readability of the public space, they are one of the most important components of sociability of public spaces in Iranian-Islamic cities. Therefore, in order to design such spaces in the cities of the country, a revision should be made in the field of using their design components, and the components based on the social norms of the Iranian-Islamic city should be used in order to improve the sociability of urban public spaces.

Keywords: Iranian-Islamic, Pedestrian, Public Spaces, Sociability.

* Corresponding Author Email: a.oskoyi@tabriziau.ac.ir